

متن مستند مقتل و اشعار شب دوم محرم ۹۲. هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق علیه السلام

غزل مرثیه

شاعر: میلاد عرفان پور

لرزانده غربت تو دل روزگار را

برده است داغت از دل عالم قرار را

شکر خدا به روز جزا دست ما پر است

پر کرده ایم از غم تو کوله بار را

ما روضه توایم و دگر هیچ نیستیم

از ما مپرس نام و نشان و دیار را

یک عمر با خیام تو ما تیر خورده‌ایم

این زخم‌ها گواه شده شوق یار را

باران گریه آمد و دل زنده شد حسین

آباد می‌کند غم تو شوره‌زار را

ای کاش خاک پای تو باشیم عاقبت

تا تاج سر کنیم همین افتخار را

ما کربلا نرفته ز دنیا نمی‌رویم

ما را ببر، تمام کن این انتظار را

مقتل شب دوم محرم ۹۲. هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق

گزارشی از حضور امیرالمومنین علی علیه السلام در کربلا

المطالب العالیة، ابن حجر عسقلانی: ج ۴ ص ۳۲۶ ح ۴۵۱۷.

... عن رجل من بنی ضبّة: شَهِدْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ نَزَلَ كَرْبَلَاءَ، فَانْطَلَقَ فِقَامَ نَاحِيَةٍ، فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ، فَقَالَ: مُنَاخُ رِكَابِهِمْ أَمَامَهُ، وَمَوْضِعُ رِحَالِهِمْ عَن يَسَارِهِ، فَضَرَبَ بِيَدَيْهِ الْأَرْضَ، فَأَخَذَ مِنَ الْأَرْضِ قَبْضَةً، فَشَمَّهَا فَقَالَ: وَاحِبًا دَمَاءُ يُسْفَكُ فِيهِ. ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَزَلَ كَرْبَلَاءَ. قَالَ الضَّبِّيُّ: فَكُنْتُ فِي الْخَيْلِ الَّتِي بَعَثَهَا ابْنُ زِيَادٍ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَلَمَّا قَدِمْتُ فَكَأَنَّمَا نَظَرْتُ إِلَى مَقَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِشَارَتِهِ بِيَدِهِ، فَقَلَبْتُ فَرَسِي، ثُمَّ انصَرَفْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، وَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَبَاكَ كَانَ أَعْلَمَ النَّاسِ، وَإِنِّي شَهِدْتُهُ فِي زَمَنِ كَذَا وَكَذَا قَالَ: كَذَا وَكَذَا، وَإِنَّكَ - وَاللَّهِ - لَمَقْتُولُ السَّاعَةِ. قَالَ: فَمَا تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ أَنْتَ؟ أَتَلْحَقُ بِنَا، أَمْ تَلْحَقُ بِأَهْلِكَ؟ قُلْتُ: وَاللَّهِ، إِنْ عَلِيَ لَدَيْنَا، وَإِنْ لِي لِعِيَالًا، وَمَا أَظُنُّ إِلَّا سَأَلِحَ بِأَهْلِي. قَالَ: أَمَا لَا، فَخُذْ مِنْ هَذَا الْمَالِ حَاجَتَكَ - وَإِذَا مَالٌ مَوْضِعٌ بَيْنَ يَدَيْهِ - قَبْلَ أَنْ يَحْرُمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ النَّجَاءَ، فَوَاللَّهِ، لَا يَسْمَعُ الدَّاعِيَةَ أَحَدٌ وَلَا يَرَى الْبَارِقَةَ أَحَدٌ وَلَا يُعِينُنَا، إِلَّا كَانَ مَلْعُونًا عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: قُلْتُ: وَاللَّهِ، لَا أَجْمَعُ الْيَوْمَ أَمْرَيْنِ: أَخَذُ مَالَكَ، وَأَخَذُكَ. فَانصَرَفَ وَتَرَكَهُ.

ترجمه: ابن حجر عسقلانی در المطالب العالیة ج ۴ ص ۳۲۶ ح ۴۵۱۷. می نویسد: مردی از قبیله بنی ضبّه گفت: هنگامی که علی علیه السلام در کربلا فرود آمد، من حاضر بودم. ایشان رفت و در کناری ایستاد و با دستش اشاره کرد و فرمود: «آنجا جایگاه فرود آمدن مرکب هایشان و سمت چپ، جای بار و بُنه شان است». سپس با دستانش به زمین زد و مُشتی از خاک آن را برگرفت و آن را بویید و فرمود: «وه که چه خون هایی بر آن ریخته می شود!». بعدها حسین علیه السلام آمد و در کربلا فرود آمد. من در میان سوارانی بودم که ابن زیاد آنها را به سوی حسین علیه السلام روانه کرده بود. هنگامی که رسیدم گویی به جایگاه علی علیه السلام و اشاره با دستش می نگریم. اسبم را چرخاندم و به سوی حسین بن علی علیه السلام بازگشتم و بر او سلام دادم و به او گفتم: پدرت داناترین مردم بود و من در فلان موقع کنارش بودم. او چنین و چنان فرمود. به خدا سوگند، تو در این زمان، کشته می شوی! حسین علیه السلام فرمود: «تو می خواهی چه کنی؟ آیا به ما می پیوندی، یا به

خانواده ات ملحق می‌شوی؟» گفتیم: به خدا سوگند من فردی بدهکار و عیالوارم. به خانواده ام ملحق می‌شوم. حسین علیه السلام فرمود: «حال که به ما نمی‌پیوندی نیازت را از این مال (مالی که پیش رویش نهاده شده بود) بردار پیش از آن که بر تو حرام شود. سپس خود را نجات بده که - به خدا سوگند - هر کس فریاد یاریخواهی ما و برق شمشیرها را ببیند و یاری مان ندهد، بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله لعن شده است». گفتیم: به خدا سوگند، امروز هر دو کار را با هم انجام نمی‌دهم. مالت را بگیرم و رهایت کنم؟! مرد ضعیفی، باز گشت و حسین علیه السلام را وا نهاد.

رسیدن امام حسین علیه السلام به کربلا:

أمالی شیخ صدوق: ص ۲۱۹ ح ۲۳۹، بحار الأنوار علامه مجلسی: ج ۴۴ ص ۳۱۵ ح ۱.

عن عبد الله بن منصور عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه عن جدّه [زين العابدين] عليهم السلام: سار [الحسين عليه السلام] حتى نزل كربلاء فقال: أي موضع هذا؟ فقيل: هذا كربلاء يابن رسول الله. فقال: هذا - والله - يوم كرب وبلاء وهذا الموضع الذي يهراق فيه دماؤنا، ويباح فيه حريمنا.

ترجمه: شیخ صدوق در کتاب امالی - به نقل از عبد الله بن منصور، از امام صادق از پدرش امام باقر از جدش امام زین العابدین علیهم السلام - : حسین علیه السلام حرکت کرد تا در کربلا فرود آمد و پرسید: «نام این سرزمین چیست؟». گفتند: ای فرزند پیامبر خدا! این جا کربلاست. حسین علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، این، روز کرب و بلاست و این جا، همان جایی است که خون های ما در آن ریخته و حرمت ما شکسته می شود».

زیارت ناحیه مقدسه (گوشه ای از هتک حرمت به سید الشهداء از زبان امام زمان)

المزار الكبير ابن مشهدی، ص ۴۹۶، بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱ ص ۳۱۷.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ هَتَكَ حُرْمَتَهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمَهُ، السَّلَامُ عَلَى الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْجُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ تَوَلَّى دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى، السَّلَامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلَا مُعِينٍ.

ترجمه: سلام بر کسی که حُرمتش را هتک کردند! سلام بر کسی که خونش را ستمکارانه ریختند! سلام بر شسته شده به خونِ زخم! سلام بر نوشیده از کاسه نیزه ها! سلام بر ستم دیده حق بُرده شده ای که حَقّش را حلال شمردند! سلام بر مهجور شده میان مردم! سلام بر آن که روستانشینان، عهده دار به خاک سپردنش شدند! سلام بر آن که رگ قلبش بُریده شده! سلام بر حمایتگر بدون یاور!

واحد شب دوم محرم ۹۲

شاعر: میلاد عرفان پور

عجب عطر سیبی وزیده/ که هرسو نشان حسین است

به حرف آمده خاک صحرا/ که این کاروان حسین است

مبادا که با داغ یاران/ بلرزد دمی شانه ی او

مبادا در آتش بسوزد/ خیام غریبانه ی او

ندارد حبیبم/ به دنیا نیازی

مخوان کوفیان را / به مهمان نوازی

(السلام کربلا)

فرات از تماشای ساقی/ همه اشک بی اختیار است

چه خواهد شد اینجا خدایا / که زینب دلش بی قرار است

هنوز از اسیری خبر نیست/ نیفتاده هیچ اتفاقی

نه خاری به پای رقیه ست / نه تیری به چشمان ساقی

نیفتاده از پا/ علی اکبر او

تلظی نکرده/ علی اصغراو

(السلام کربلا)

خیامش دوباره به باشد/ که عالم بگرید به پایش

پر از روضه های نخوانده ست / دل مقتل از کربلایش

خوشا عاشقان ولایت / که آماده ی بذل جان اند

امان از ولی ناشناسان/ که در خیمه ی دشمنانند

خدایا مددکن / حسینی بمانیم

فدایی راه/ خمینی بمانیم

(یا حسین یابن الزهرا)

واحد

شاعر: مهدی سیار. میلاد عرفان پور

در میدان، می مانم، تا نفس آخرم

راهی راه حسین، همقدم رهبرم

کرده قیامت به پا، شور قیام حسین

کی رود از یاد ما، نام و مرام حسین

قافله عاشقان، راهی کرب و بلاست

مشعل راه خدا، خون شهیدان ماست
در میدان، می مانم، تا نفس آخرم
راهی راه حسین، همقدم رهبرم
بسته شریعه اگر، ابن زیاد زمان
گشته گلستان ما، آتش نمرودیان
کشتن آلاله ها، شیوه اهریمن است
این وطن اما پر از احمدی روشن است
در میدان، می مانم، تا نفس آخرم
راهی راه حسین، همقدم رهبرم
ز آتش و خون آمده جان منامه به لب
شعله صهیون زده، در دل شام و حلب
مرگ بر اهریمنان، تا به ابد ذکر ماست
سوره توحید ما، در پی تبّت یداست
در میدان، می مانم، تا نفس آخرم
راهی راه حسین، همقدم رهبرم

دم پایانی هیات میثاق با شهدا دانشگاه امام صادق. محرم ۱۳۹۲

سید و مولا حسین، آرام دلها حسین

زَمزَمه‌ی عاشقان، یا حسین و یا حسین

ندارم غیر تو فکر و خیالی بنفسی انت و اهلی و مالی

روضه‌های مقتل را، مثل باران می‌گرییم

در غم تو این شبها، با شهیدان می گرییم

اشک ما مرثیه خوان فرات است مولای ما قتیل العبرات است

با ولایت می مانیم، شور ما از عاشورا است

ای عاشقان بسم الله، راه قدس از کربلاست

تنها نگذارم در میدان، ولی را مولایم رهبرم سید علی را

کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا

وارث خون حسین، مهدی زهرا بیا

یار مظلومان کی میرسی از راه العجل العجل یا حجة الله

شاعر: محمد مهدی سیار و میلاد عرفان پور

نجوا با امام زمان

شاعر: عباس احمدی

کاش تا خیمه سبزهت برسد فریادم

من از آن روز که در بند توام آزادم

عاشقم دست خودم نیست بگو تا چه کنم؟

دل به یک یوسف گم گشته زیبا دادم

باز من ماندم و پرونده امضا نشده

کاش با یک نظر لطف کنی دلشادم

شدم آن تیر که در چله ای از وسوسه هاست

شده ام صید و گناهان جهان صیادم

عافیت در دل من راه بصیرت بسته

شد هوس جای تو موعود من و میعادم

در دلم ذوق گناه و به لبم نام شماست

بنده ای بی صفت و هر چه که بادابادم

ترسم این چشم به دیدار تو عادت نکند

بسکه بر جلوه صد رنگ گنه معتادم

تشنه روی توام رفع عطش می خواهم

گفتم از تشنگی و یاد لبی افتادم

گفتم از تشنگی و از غم اطفال حسین (ع)

مثل زهرا (س) وسط روضه ز پا افتادم

بعد یک عمر حسین (ع) است فقط ذکر لبم

چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

بود آیا که در میکده را بگشایی

بر من مست که یک نوکر هیئت زادم

نام تو حرز نجات است مبادا برود

در سرازیری قبر اسم شما از یادم

جان ارباب بیا توبه من را بپذیر

او که شد گریه کنش نوح و مسیح و آدم

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.